



لذت گرایی شخصی؛ استدلال لذت گرایان برای اثبات ارزش ذاتی لذت درست نیست

مکتب لذت گرایی، "لذت شخصی" را منشأ ارزش و لزوم اخلاقی دانسته و احکام اخلاقی مورد قبول خود را بر اساس آن اثبات کرده است. این مکتب اخلاقی بر آن است که لذت بردن فاعل عمل اخلاقی ارزش ذاتی دارد و به عبارت دیگر، سعادت عبارت است از برخورداری هرچه بیشتر فرد از لذت.

خبرگزاری مهر- مکتب لذت گرایی، "لذت شخصی" را منشأ ارزش و لزوم اخلاقی دانسته و احکام اخلاقی مورد قبول خود را بر اساس آن اثبات کرده است. این مکتب اخلاقی بر آن است که لذت بردن فاعل عمل اخلاقی ارزش ذاتی دارد و به عبارت دیگر، سعادت عبارت است از برخورداری هرچه بیشتر فرد از لذت.

پیروان این مکتب اخلاقی، برای اثبات ارزش ذاتی لذت، چنین استدلال می کنند که انسان طبیعتاً طالب لذت است و از رنج و درد می گریزد. برای هر فرد، خوشی و لذت خود او مطلوب است و هیچ کس رنج و ناراحتی خود را نمی خواهد. بنابراین ارزش ذاتی و منشأ مطلوبیت لذت خود فرد است.

در نتیجه، کاری که برای فاعل اخلاقی لذت بخش باشد ارزش دارد و کاری که برای وی رنج آور است ارزش ندارد. همچنین از میان دو کاری که با یکدیگر تزامم دارند و قابل جمع نیستند، کاری که برای خود وی لذت بیشتر یا رنج کمتری دارد ارزش جایگزینی دارد.

نوعی تلقی بسیار ساده انگارانه، لذت شخصی را به لذت حاضر اختصاص می دهد. بنابراین تلقی، کسی که می خواهد ارزش کاری را بداند باید ببیند آیا این کار فعلاً برای او لذت بخش است یا رنج آور، اما لذت یا رنجی که احیاناً این کار در آینده به دنبال دارد در ارزش و لزوم اخلاقی آن کار تأثیر ندارد. ولی اگر بپذیریم انسان طبیعتاً طالب لذت است، اختصاص دادن لذت، به لذت حاضر موجه نیست.

اگر لذت مطلوب است، بیشترین لذت مطلوب ترین است، خواه لذت حاضر باشد یا لذتی که در آینده به دست می آید، زیرا چه بسا لذت های طولانی تر و شدیدتری که با تحمل رنجی اندک حاصل می شوند، و چه بسا لذت های اندک و زودگذری که درد و رنجی شدید یا طولانی به دنبال دارند.

انسان، به سبب برخورداری از ویژگی تعقل، می تواند درباره لذتها و رنج های آینده نیز فکر کند و کاری که در مجموع لذت بخش تر باشد برگزیند. از باب مثال، فراوان اند غذاهای لذیذی که رنج بیماری را در پی دارند. نیز در موارد بسیار، میان تأمین لذایذ مختلف تزامم پدید می آید، به طوری که تأمین آنها با هم ممکن نیست. برای مثال، تأمین لذت تن آسای با تأمین لذت فراگیری دانش تزامم دارد.

بدین سبب بیشتر پیروان نظریه لذت گرایی شخصی برای تعیین ارزش هر کار، محاسبه لذت و رنج های حاصل از آن، و برای تعیین ارزش جایگزینی، علاوه بر آن، مقایسه آنها و تعیین لذت برتر را لازم دانسته اند. همچنین آنها برای محاسبه لذت و رنج حاصل از کارها معیارهایی ارائه داده اند و ادعا می کنند که بدین شیوه می توان ارزش کارهای مختلف را تعیین کرد.

طبق بعضی از این معیارها کاری خوب است و هر فرد کاری را باید انجام دهد که در مجموع و با توجه به همه پیامدهای فعلی و آینده آن، به لذت فاعل اخلاقی بیفزاید یا دستکم، در مجموع، از رنج وی بکاهد و کاری که لذت افزون تری به دنبال داشته باشد ارزش بیشتری دارد.

بعضی از لذت گرایان، با اینکه بر ارزش ذاتی لذت تأکید می کنند، همه انواع لذت را دارای ارزش برابر نمی دانند، بلکه لذت های روحانی، مانند سکون نفس یا آرامش خاطر، را از لذت های جسمانی و شهوانی برتر می شمارند.

لذت گرایان بر این نکته تأکید می ورزند که لذت به طور طبیعی برای انسان مطلوب و دارای ارزش طبیعی است و به همین دلیل، ارزش ذاتی دارد. استدلال آنها چنین است: لذت ارزش طبیعی دارد. چیزی که دارای ارزش طبیعی باشد، ارزش ذاتی دارد، لذا لذت ارزش ذاتی دارد.

منظور آنها از ارزش طبیعی، ارزشی است که مقتضای طبیعت انسان است. به عبارت دیگر، لذت گرایان معتقدند طبیعت انسان به گونه ای است که طالب لذت است، و لذت در هیچ وضعیتی برای انسان نامطلوب نیست. پس لذت ارزش طبیعی دارد.

البته تلقی عموم انسانها از "لذت" بدان جهت که بیشتر با امور مادی و دنیوی سر و کار دارند، لذت های جسمانی یا دنیوی است. بنابراین لذت ارزش طبیعی دارد. توجه به ارزش های طبیعی از این جهت اهمیت دارد که ارزش ذاتی اخلاقی نباید به کلی با آنها منافات داشته باشد.

اما مقدمه دوم استدلال مزبور درست نیست، زیرا ممکن چیزی دارای ارزش طبیعی باشد و با این حال، بدان سبب که مطلوبیت آن به مطلوبیت چیزی دیگر وابسته است، ارزش ذاتی نداشته باشد. در نتیجه لذت با اینکه دارای ارزش طبیعی است، ارزش ذاتی ندارد. لذت گرایان بدون آنکه ثابت کنند مطلوبیت لذت به مطلوبیت چیز دیگری وابسته نیست، ارزش ذاتی لذت را از ارزش طبیعی آن نتیجه گرفته اند. بنابراین استدلال لذت گرایان برای اثبات ارزش ذاتی لذت درست نیست.